

گزارش

یک سال زندان برای کرباسچی

• شرق، علی ایوبی: سایت حزب کارگزاران سازندگی اعلام کرد: غلامحسین کرباسچی، دبیرکل این حزب، به دلیل فعالیت تبلیغی علیه نظام به یک سال حبس تعزیری محکوم شده است. کرباسچی درباره جزئیات صدور این حکم، به ایلنا گفت: «یکی از نهادهای امنیتی از مجموعه سخنرانی‌هایم در سال‌های اخیر و برخی عکس‌هایی که از آقایان سیدمحمد خاتمی و میرحسین موسوی در صفحه اینستاگرام منتشر کرده بودم، گزارش‌هایی تهیه و آنها را مصداق تبلیغ علیه نظام عنوان کرده بود». او ادامه داد: «۲۰ روز پیش در دادگاه حاضر شدم و یک دفاع نیم‌ساعته انجام دادم و امروز (چهارشنبه) حکم را صادر کردند». دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی درباره موارد اتهامی دیگر خود گفت: «تانی و مواردی دیگر را نیز جزء اتهاماتم عنوان کرده بودند که دادستانی آنها را نپذیرفت و برای آنان قرار منع تعقیب صادر شد. برای این جرم، در قانون حداقل و حداکثری در نظر گرفته شده که از سه ماه تا یک سال است که قاضی صلواتی حکم یک سال حبس را صادر کرد».

کرباسچی همچنین در پاسخ به این سؤال که آیا اعتراضی به حکم صادره انجام داده است یا خیر، گفت: «بله، ما اعتراض کرده‌ایم و گفته‌ایم حکم را قبول نداریم».

پرونده معروف شهرداری تهران

این اولین حکم حبس کرباسچی نیست. غلامحسین کرباسچی، ۶۴ ساله، فرزند آیت‌الله محمدصادق تهرانی است. در حوزه درس خوانده و از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شده است. او از سال ۶۸ تا ۷۷ به مدت ۹ سال شهردار تهران بود؛ سمتی که هم او را معروف کرد و هم پای او را به زندان باز.



بعد از دوم خرداد سال ۷۶ و حمایت حزب کارگزاران سازندگی از سیدمحمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری، کرباسچی از اولین مدیران اصلاح طلبی بود که با اتهامات مالی در شهرداری مواجه و سرانجام در ۱۵فروردین ۷۷ بازداشت شد. از اتهامات او می‌توان به «مشارکت در اختلاس به مبلغ یک میلیارد و ۴۵۳ میلیون تومان، ۹۰ هزار دلار آمریکا، ۶۶۰ سکه بهار آزادی و ۸۰ سکه نیم‌بهار آزادی»، «مشارکت در ارتشا»، «تضییع و تصرف اموال عمومی» و «تبانی در معاملات دولتی» نام برد. بازداشت او در صدر اخبار آن زمان قرار گرفت.

غلامحسین روبه‌روی غلامحسین

اولین جلسه دادگاه کرباسچی در ۱۷ تیر همان سال برگزار شد و غلامحسین محسنی‌آزاه که هم‌اکنون معاون‌اولی قوه قضائیه را بر عهده دارد، قاضی این دادگاه بود. بهمن کشاورز و مسعود حائری نیز وکالت متهم را بر عهده داشتند. نکته جالب اینکه جلسات دادگاه کرباسچی شب‌ها و هم‌زمان با پخش مسابقات جام جهانی ۹۸ فوتبال از تلویزیون پخش می‌شد. نوع دفاع کرباسچی و چهره و بیان جدی قاضی دادگاه، این محاکمه را جذاب کرده بود و سوزو مردم و روزنامه‌ها شده بود. پخش دادگاه متهمان اکنون ممنوع اعلام شده است. هفت جلسه دادگاه او تا ۲۰ تیر طول کشید و شهردار سابق تهران به اتهام برداشت ۲۶۰ میلیون تومان برای ستاد حزب کارگزاران، دادن ۲۵ میلیون تومان به آقایان «تاجران» و «تقوامنشان» نامزدهای انتخابات مجلس و ۶۰ میلیون تومان به آقای «بهزادیان»، برداشت ۸۷ میلیون تومان برای خود، خرید ۹۰ هزار دلار از حساب مدیران شهرداری و پرداخت به نماینده جمهوری اسلامی در نیویورک و پرداخت ۵۰ میلیون تومان به تعدادی از مدیران شهرداری، به سه سال زندان و ۱۰ سال انفصال از خدمات دولتی و بازگرداندن اموال محکوم شد.

او همچنین به دلیل تضییع سه‌ونیم میلیارد که به حساب شهرداری بازنگشته بود، به چهار سال حبس و ۶۰ ضربه شلاق تعلیقی محکوم شد. کرباسچی همچنین در مواردی مثل سکه‌های اهدایی و مشارکت در ارتشا تبرئه شد. دادگاه تجدیدنظر نیز برگزار شد و به جز او، همه متهمان پرونده، یعنی شهرداران و معاونان شهردار تبرئه شدند. او حدود دو سال را در زندان گذراند؛ اما با وساطت مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی و حکم حکومتی مقام معظم رهبری از زندان آزاد شد. کرباسچی که از فعالیت‌های اجرایی محروم شده بود، به‌عنوان مدیرمسئول، روزنامه «هم‌پیمان» را منتشر کرد که در سال ۸۶ به دستور قاضی مرتضوی توقیف شد. دبیرکل فعلی حزب کارگزاران در سال انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۸ از مهدی کروبی، دبیرکل حزب اعتماد ملی، حمایت کرد و از او به‌عنوان معاون اول کروبی نام برده می‌شد.

politics@sharghdaily.ir

مرجان توحیدی؛ خبرنگاری تسنیم در گزارش‌های پیاپی به بررسی نامه اخیر مهدی کروبی به مقام معظم رهبری پرداخته و سعی داشته است در گفت‌وگو با برخی چهره‌ها که آنها را تاریخ‌پژوه نامیده، ان‌قلت‌های این نامه را گوشزد کند. کروبی در بخشی از نامه خود، به ردصلاحیت نیروهای چپ خط‌امامی در جریان انتخابات مجلس چهارم شورای اسلامی پرداخته و از حذف این جریان سیاسی در آن انتخابات گلایه کرده بود. تسنیم اما در گزارش خود با استناد به سخنان مسعود رضایی که او را مورخ و تاریخ‌شناس معرفی کرده، به واکاوی انتخابات مجلس چهارم و دلایل رد صلاحیت جریان چپ خط‌امامی پرداخته است. او دلیل حذف چپ‌ها را نه رد صلاحیت صورت‌گرفته از سوی شورای نگهبان بلکه به دلیل اقدامات این جریان در اواخر عمر مجلس دانسته است. مسعود رضایی از جمله این اقدامات را

حمایت چپ‌های خط‌امامی از دولت بعث عراق در جریان اشغال کویت و ورود نیروهای آمریکا با قطع‌نامه شورای امنیت به خلیج فارس عنوان کرده بود. او ابتدا خطاب به کروبی نوشته است: «... علی‌رغم عدم‌احراز صلاحیت برخی داوطلبان منتسب به جناح چپ، لیست کامل و پر و پیمانی از سوی مجمع روحانیون مبارز تدارک دیده شد به‌ویژه این جمله شما که «لیست مجمع و نیروهای خط امام یکپارچه حذف شدند» به‌نوعی زیرکانه نوشته شده است که الفاکتنده حذف لیست از سوی شورای نگهبان است و نه مردم». او در ادامه گفت: «حال باید دید که آیا ناکامی اصلاح‌طلبان آن زمان در انتخابات مجلس چهارم ناشی از ردصلاحیت‌هاست یا اینکه عملکرد آنها موجب شد تا به پیروزی دست نیابند؟». رضایی در ادامه به این عملکرد اشاره کرده و گفته: «یکی از علل شکست آن روز جناح چپ، حمایت از صدام حسین، رئیس‌جمهور دولت بعث عراق بود. مسئله‌ای که موجب تحیر بسیاری از مردم شد. صدام که با ناکامی در حمله به ایران مواجه شده بود، در تاریخ ۱۱ مرداد ۶۹ به کویت حمله و این کشور را اشغال کرد... با حمله آمریکا به عراق، ناگهان صدایی از مجلس ایران بلند شد که «باید به دفاع از صدام برویم». آنها دوسال از پایان جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق به ایران می‌گذشت و خانواده‌های بسیاری داغ‌دیده فرزندان خود بودند، هنوز بازسازی مناطق جنگ‌زده شروع نشده بود، مرز نشینان بسیاری در شهرهای دیگر به‌سر می‌بردند و طرح چنین موضوعی موجب خشم مردم و ناامیدی آنها از جناحی شد که بعدها به طیف خال‌دین ولید معروف شدند»؛

ادامه گزارش تسنیم به نقل از مسعود رضایی آمده است: «... چند روز بعد از نظر قطعی شورای عالی امنیت ملی و تأکید بر بی‌طرفی ایران، آیت‌الله خامنه‌ای در سخنانی با انتقاد از مواضع عده‌ای که می‌گویند باید به‌کمک صدام رفت، فرمودند «ما هرگز به‌نفع چپ، با راست دشمنی پیدا نمی‌کردیم. بدین‌نفع راست هم با چپ دشمنی پیدا نمی‌کردیم». دو اردوگاه و دو جناح‌اند که به‌خطر اهداف غلط و غیرالهی و نامقدس- از نظر ما و از نظر همه انسان‌های واقع‌بین- با هم می‌جنگند. جمهوری اسلامی، هر دو جناح را رد می‌کند؛ چون در هر دو طرف، انگیزه‌ها مادی است...». این تنها یک نمونه از مواضع غلط، افراطی و دور از تعقل جناح چپ بود که قطعا در عدم توقیفشان در انتخابات مجلس چهارم نقش داشت اما آنها همواره سعی می‌کنند این شکست را به گردن شورای نگهبان و رد صلاحیت‌ها بیندازند...». مسعود رضایی البته در همین جوابیه به مهدی کروبی، اگرچه او را به واسطه انتقاداتش از شورای نگهبان ملامت می‌کند، اما در جایی خود هم اعتراف می‌کند که نسبت به نظارت استصوابی انتقاد دارد: «در مورد نظارت استصوابی، نحوه اجرای آن توسط شورای نگهبان است. از نظر من نحوه عملکرد شورای نگهبان در این زمینه قابل‌نقد و انتقاد است. به اعتقاد بنده شورای نگهبان باید با سعه صدر بیشتری در این زمینه برخورد می‌کرد و ضمن آنکه زمینه حضور افراد بیشتری را در انتخابات فراهم می‌آورد، بهانه کمتری نیز به دست امثال جناب‌عالی برای سردادن شعارهای سیاسی خود می‌داد...».

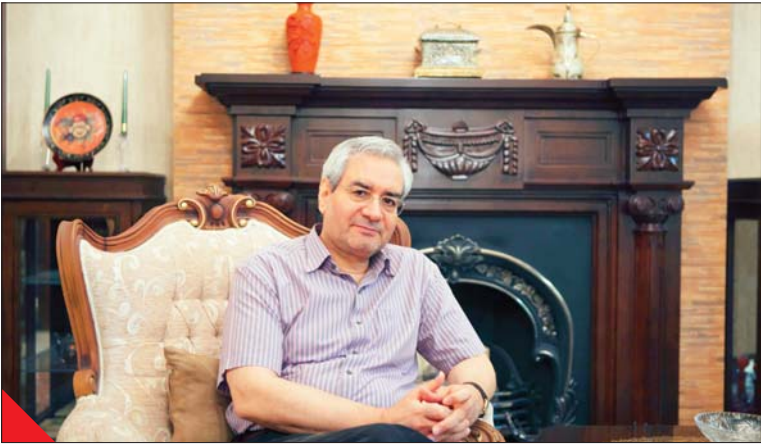
اشغال کویت و ماجرای خالد بن ولید

اما آنچه مسعود رضایی به آن اشاره کرده چیست و تا چه اندازه در رد صلاحیت چپ‌ها اثرگذار بوده است؟ مرداد سال ۶۹ (۱۹۹۰)، عراق بعد از مذاکراتی طولانی با کویت در رابطه با تأمین بودجه مالی برای بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده در طول جنگ این کشور با ایران، این کشور را اشغال نظامی کرد. شورای امنیت سازمان ملل اقدام عراق را تهدید صلح دانسته و از آجا که عراق به خروج از کویت تن نمی‌دهد، اقدام نظامی علیه این کشور را به تأیید می‌کند. در نتیجه این قطع‌نامه، اختلافی از کشورها به رهبری آمریکا نیروهای خود را وارد خلیج فارس می‌کنند. این اقدام در سال ۱۹۹۱ میلادی رخ می‌دهد. ورود نیروی‌های ائتلاف به منطقه و نخستین جنگ خلیج فارس در شرایطی رخ داد که اتحاد جماهیر شوروی در آستانه فروپاشی بود. این شرایط برخی از نیروهای چپ خط‌امامی و ضدامپریالیسم در ایران را به این فکر وامی‌دارد که باوجود اینکه زمان چندانی از پایان جنگ ایران و عراق نمی‌گذشت، خواستار حمایت از عراق در برابر آمریکا شوند. سرسلسله این داستان، علی‌اکبر محتشمی‌پور بوده است. رسول منتجب‌نیا در گفت‌وگو با سایت تاریخ ایرانی دراین‌باره و در توجیه این حرکت گفته است: «... آنها حمله عراق به کویت را بهانه حضور در منطقه قرار داده بودند تا در خلیج‌فارس و دریای عمان حضور داشته باشند و در برابر ایران جبهه‌بندی کنند... تحلیل دوستان ما در مجلس این بود که گرچه صدام و رژیم بعث به ایران تعرض کرده و مسئول همه خسارت‌های انسانی و مالی و ویران‌شدن کشورمان در دوران دفاع مقدس بود، ولی ملت عراق مسلمان‌اند، ملت کویت هم مسلمان‌اند و ما هم که مسلمانیم باید

سیاست

باسخ اصولگرایانه به نامه کروبی

چپ‌های خط‌امامی چگونه ردصلاحیت شدند



پرونده توحیدی

اظهار رضایت نمودند. در نهایت به گفته اصغرزاده حدود ۴۰ نفر از چهره‌های شاخص چپ در آن انتخابات با سیاست‌های اتخاذشده از سوی شورای نگهبان ردصلاحیت می‌شوند. تحلیلگر تسنیم دلیل اصلی ردصلاحیت و حذف جریان چپ در انتخابات مجلس چهارم را «حمایت از صدام حسین» می‌داند؛ اما ابراهیم اصغرزاده -از جمله نمایندگان ردصلاحیت‌شده انتخابات مجلس چهارم - روایت دیگری از ردصلاحیتش دارد.

روایت اصغرزاده از ردصلاحیت

اصغرزاده در گفت‌وگو با «شرق» به تحلیل این روایت پرداخته و می‌گوید: «مجلس سوم به لحاظ زمانی در شرایط انتقال قدرت در ایران قرار داشت. از یک سو رهبری جدید بعد از فوت امام انتخاب شده بود و از سویی قانون اساسی تغییراتی کرده بود و به نظر می‌رسید کشور به سمت خاصی می‌رود. همچنین اتحاد جماهیر شوروی دچار فروپاشی شده بود». به گفته اصغرزاده، ردصلاحیت او و دوستانش در مجلس سوم را باید در قالب یک برنامه کلان بررسی کرد. او می‌گوید: «در انتخابات مجلس چهارم چیزی حدود ۴۰ نفر از چهره‌های شاخص جریان چپ ردصلاحیت شدند، به‌طوری‌که جریان چپ خط‌امامی نتوانست برای آن انتخابات فهرست ارائه بدهد». این روایت اصغرزاده در این‌بخش، در تضاد با روایت «مسعود رضایی» قرار دارد که از حضور فهرست «پروپییمان» خط‌امامی‌ها در انتخابات مجلس و عدم اقبال عمومی به آن سخن می‌گوید. اصغرزاده در ادامه توضیحاتش را به این شکل شرح می‌دهد: «هم‌زمانی مجلس سوم با فوت امام و پایان جنگ، هاشمی‌رفسنجانی را بر آن داشته بود تا

در برابر استکبار شرق و غرب ایستادگی کنیم و نگذاریم که آمریکا در منطقه حضور پیدا کند... همان زمان بود که آقای محتشمی‌پور داستان خالد بن ولید را به مجلس مطرح کردند و گفتند هرچند که صدام متجاوز و جانی است، ولی الان مورد تعرض قرار گرفته است. ما هم نمی‌خواهیم از صدام دفاع کنیم، می‌خواهیم از تمامیت ارضی خودمان، انقلاب و ملت‌های مسلمان منطقه حمایت کنیم. بنابراین منطق نیروهای خط امامی در مجلس سوم که در اکثریت بودند، این بود که باید با کشورهای منطقه در برابر آمریکا دست‌به‌دست هم دهیم و ناوهای آمریکایی را از منطقه دور کنیم...». این همه در شرایطی رخ می‌داد که ایران و عراق بعد از پایان جنگ هشت‌ساله، در شرایط آتش‌بس بوده و عراق هنوز قرارداد ۱۹۷۵ را نپذیرفته بود. عراق قبل از آغاز حمله نظامی خود به کویت، یعنی در اردیبهشت ۶۹، نامه‌نگاری‌هایی را به رهبر جدید ایران، یعنی آیت‌الله خامنه‌ای و نیز اکبر هاشمی‌رفسنجانی که به‌تازگی در ریاست‌جمهوری مستقر شده بود، آغاز کرد تا به وضعیت «نه جنگ، نه صلح» پایان دهد. صدام حسین در مجموع شش نامه به هاشمی نوشت که آخرین آن مصادف است با لشکرکشی‌اش به کویت و در آن، ایران را از هرگونه اقدام احتمالی علیه کشورش بر خذر می‌دارد. در پس این نامه‌نگاری‌ها عراق بالاخره قطع‌نامه ۵۹۸ شورای امنیت را پذیرفته و در نهایت به قی‌رارداد ۱۹۷۵ ایران و عراق درباره حزم مرزی ارونردود تن می‌دهد. همچنین با آزادی اسرای دو کشور هم موافقت می‌کند.

موج ردصلاحیت

در چنین فضایی است که مهدی کروبی به عنوان رئیس وقت مجلس پیشنهاد می‌دهد که نیروهایی از پارلمان ایران با پارلمان‌های دنیا گفت‌وگو کرده و تلاش کنند در پس این گفت‌وگوها امتیازهای بیشتری برای ایران به دست بیاورند؛ طرحی که چندان جدی گرفته نشد. ایران در جریان جنگ عراق و آمریکا موضع بی‌طرفی اتخاذ کرد؛ موضعی که به ادعان کارشناسان، بهترین موضع ممکن در آن شرایط ویژه بود. اگر این یک روی مواجهه چپ‌ها با دولت هاشمی‌رفسنجانی بود، روی دیگر آن، سمت‌گیری‌های متضاد اقتصادی مجلس و دولت بود. دولت سازندگی سیاست‌های اقتصاد باز را پیگیری می‌کرد و مجلس «خط امامی» همچنان دنباله‌رو سیاست‌های چپ و با محوریت عدالت بود. انتقاده‌ها به سیاست‌های اقتصادی دولت هاشمی رفسنجانی هم از مجلس بیرون می‌آمد و هم از اپوزسیون بیرون از مجلس. از جمله ملی مذهبی‌ها، سردمدار نقدها روزنامه سلام بود و صف منتقدان به این شکل جدا شده بود؛ اما در کنار شکل‌گیری جریان منتقد، نظرات استصوابی هم از سوی شورای نگهبان ابتدا در مجلس خیرگان و بعد در جریان انتخابات مجلس چهارم، به کار برده شد و جمعی از نیروهای چپ ردصلاحیت شدند.

نقش شورای نگهبان

هاشمی‌رفسنجانی در کتاب خاطرات خود در سال ۷۱ به تفصیل درباره شرایط آن روزها توضیح داده و در مقدمه چنین نوشته است: «انتخابات چهارمین دوره مجلس برای این‌جانب بسیار پردرسر شد. براساس تفکر خودم و نیز انتظار بسیاری از نامزد‌های خط‌امامی، مایل بودم این انتخابات به صورت کاملاً متصفانه برگزار شود و زمینه را هم با انتصاب آقای عبدالله نوری به وزارت کشور فراهم کرده بودم که در عمل، موازنه‌ای بین دو مرکز مؤثر در مدیریت انتخابات، یعنی وزارت کشور و شورای نگهبان باشد؛ ولی بعد از آنکه کار شروع شد، عملاً نظر شورای نگهبان در پذیرش یا ردصلاحیت‌ها، دردرسر زیادی برای من به بار آورد. ردصلاحیت‌گسترده نمایندگان موسوم به خط امام و حمایت‌های پیدا و پنهان از این اقدام شورای نگهبان، بسیاری از توان مسئولان نظام را متوجه خود کرد. مجمع روحانیون مبارز به خاطر ردصلاحیت جمعی از سران آن، تهدید به کناره‌گیری از انتخابات کرد؛ از طرفی رهبری هم دستور دادند که باید مجمع در انتخابات شرکت کند. آقای کروبی که دبیرکل مجمع بود، از من توقع داشت که برای حل این مشکلات، با پذیرفتن صلاحیت جمع بیشتری از جناح آنها کمک کنم. من هم مطالب ایشان و سایر افراد را به رهبری منتقل کردم. نیروهای ردصلاحیت‌شده انتظار شفاعت و حمایت داشتند و من تاآنجاکه می‌توانستم، سعی می‌کردم قلب‌ها را به هم نزدیک کنم و هر دو طرف را قانع کنم که به خواست قانون و میزان رای مردم گردن نهند. مرحوم دکتر حسن حبیبی هم در شورای نگهبان خیلی تلاش کرد و در موارد محدود مسئله حل شد». او همچنین در موارد متعدد به جلساتی که با نمایندگان شاخص ردصلاحیت‌شده ازجمله صادق خلغالی، هادی غفاری و... برگزار کرده، اشاره می‌کند. هاشمی همچنین در روایت خود از روز ۱۱ فروردین می‌نویسد: «[شورای مرکزی] جامعه روحانیت مبارز جلسه داشت گزارش تبلیغات انتخابات را دادند و از روند حذف رقایی خود

بیشتر بر مسائل اقتصادی تمرکز کند و به همین دلیل هم سیاست‌های تعدیل اقتصادی را که نسخه‌ای کپی از سیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول بود، در کشور پیاده کرد». او سپس با اشاره به انتقاد‌های مجلس‌سومی‌ها از وضعیت اقتصادی کشور می‌گوید: «باین‌حال برنامه اول توسعه به مجلس ارائه شد و همین یکی از نقاط اختلافی مجلس و دولت بود. نقطه اوج این اختلافات اما انتقادات ملی - مذهبی‌ها از هاشمی‌رفسنجانی در بیانیه‌ای بود که منجر به بازداشت آنها شد». او ادامه می‌دهد: «حذف منتقدان باعث شد تا دست دولت در اجرای سیاست‌های اقتصادی باز باشد. اجرای سیاست‌های تعدیل باعث بالا رفتن نرخ تورم و شرایط اقتصادی سخت برای کشور شده بود. این‌گونه بود که مجلس چهارم که با شعار دشمن هاشمی، دشمن پیغمبر است، شکل گرفته بود، در راه اجرای این سیاست‌ها تر‌م‌های جدی بگذارد».

مخالفت هیئت‌رئیسه مجلس سوم با حمایت از صدام

اصغرزاده سپس به ماجرای حمایت برخی خط‌امامی‌ها از صدام اشاره کرده و درباره تأثیر آن در ردصلاحیت‌ها می‌گوید: «این موضوع اصلاً جدی نبود. همان زمان تعدادی از چپ‌ها این موضوع را مطرح کردند که با حمایت اکثریت مواجه نشد، از جمله اینکه هیئت‌رئیسه مجلس با این موضوع مخالفت کرد». او سپس به طرح مجلس درباره قطع‌نامه ۵۹۸ اشاره کرده و ادامه می‌دهد: «البته قبل از حمله آمریکا به عراق، تعدادی از نمایندگان معتقد بودند که باید با پارلمان‌های دنیا درباره قطع‌نامه مذاکره کرده تا امتیازهای بیشتری بگیرند. آقای کروبی هم این مسئله را عنوان کرد که با مخالفت ولایتی، وزیر خارجه دولت هاشمی، مواجه و موضوع کم‌رنگ شد. باین‌حال وقتی موضع ایران در قبال حمایت از صدام مطرح شد، مجلس سوم به این تصمیم هم تن داد و در نطق‌ها به حمایت از آن پرداخت. این مجلس با وجود انتقادات اقتصادی از هاشمی‌رفسنجانی اما برنامه اول توسعه را تصویب کرد و به کابینه هاشمی رای بالایی داد». از اظهارات اصغرزاده به‌عنوان نماینده‌ای چپی که بعد از پایان مجلس سوم بلافاصله بازداشت شده و بعد هم در انتخابات مجلس چهارم ردصلاحیت شد، چنین برمی‌آید که ماجرای حمایت برخی از خط‌امامی‌ها از عراق در جریان اشغال کویت و حمله آمریکا، موضوعی نبوده است که بخواهد تنها دلیل ردصلاحیت و حذف جریان چپ در آن انتخابات قلمداد شود.

ادامه از صفحه ۱۳

نگرانی از رسوب مطالبات

هرچند در ساختارهای بنگاتی زن متعلق به طبقه بالا، درمقایسه‌با مرد طبقه پایین‌تر از مزایا و قدرت بیشتری بهره‌مند است، هر کجا جنسیت بنای نابرابری ساختار قرار گیرد، جنسیتی کم‌اعتبار تلقی می‌شود که کارش قدرت‌بخشی و درآمد اقتصادی نداشته باشد؛ مثل کار خانگی زنان و سرپرستی فرزندان که کارهایی تمام‌وقت‌اند و با وجود اینکه به‌واقع کار هستند اما چون شغل محسوب نمی‌شوند، اعتبار اقتصادی و پرستیژ اجتماعی ندارند. در چنین جمعایی روز جهانی و روز ملی و بومی زن هم گرفته می‌شود تا از زنان قدردانی شود؛ قدردانی‌هایی که براساس تعارف و تملق و ابقای ساختار نابرابر جنسیتی صورت می‌گیرند مانند مقابله با چهره کره فقر از طریق دادن سکه‌ای خرد به شخص محتاج که بی‌فایده و اثر است. هم‌زمانی روز ولادت حضرت زهرا که ایرانیان آن را به‌عنوان روز زن و روز مادر برای خود برگزیده‌اند، با روز جهانی زن فرصت ذی‌قیمتی به وجود آورده است تا سیاست‌مردان کشورمان که به مدد ساختارهای نابرابر جنسیتی به قدرت و ثروت رسیده‌اند و آن‌دسته از مدیرانی که خود را پیرو حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها می‌دانند، از خود سؤال کنند یا به این سؤال پاسخ دهند که «چرا و چگونه با گذشت ۴۰ سال از انقلابی که مطالبه اولیه و اصلی‌اش عدالت بود، نابرابری‌های جنسیتی به حدی رسیده است که با پدیده زشت و غیرقابل تصور کارتن‌خوابی زنان و فقری که چهره کاملاً زنانه به خود گرفته، باید مواجه شویم؟». در چنین روز مبارکی وقتش است تا از مسئولان سؤال کنیم «زنان ایرانی که به گفته آمار نسبت به پیش از انقلاب صددرصد تحصیل‌کرده‌تر و توانمندتر و عاقل‌تر و آگاه‌تر شده‌اند و هم آنها که توانسته‌اند با تلاش و کوششی پیگیر مبانی استدلال نابرابری زن و مرد را زیر سؤال ببرند و کارآمدی زنان در عرصه قدرت سیاسی را به مردان سیاست در جمهوری اسلامی بیاوراند، چرا هنوز ساختار جمهوری از حضور زنان در عرصه حیات سیاسی به طور شایسته و بایسته حمایت نمی‌کند؟» در سالروز ولادت حضرت زهرا(س) و روز زن، وقتش است از صاحبان قدرت و جایگاه‌های کلیدی در جمهوری اسلامی بپرسیم «فرمایید برای کاهش نابرابری‌های جنسیتی و اصلاح ساختارهای بنابنده بر نابرابری و بی‌عدالتی چه برنامه‌هایی دارید؟ برنامه‌ای دارید آیا؟».

نوروزتان سپروز

سرطان قابل پیشگیری و درمان است
با خود مراقبتی و امید

موسسه خیریه
بهنام دهش پور
حمایت از بیماران
مبتلا به سرطان
Behnam Daheshpour
Charity Organization
behnamcharity.org.ir
behnamcharity